

امام صادق(ع)؛ قهرمان وحدت اسلامی



حجت الاسلام جباری، مورخ، گفت: امام صادق(ع) را می‌توان به تعبیری یکی از قهرمانان بحث وحدت اسلامی به شمار آورد و دلیل این امر هم شرایط خاص سیاسی و اجتماعی عصر امام صادق(ع) و گسترش تشیع است.

حجت الاسلام جباری، مورخ، گفت: امام صادق(ع) را می‌توان به تعبیری یکی از قهرمانان بحث وحدت اسلامی به شمار آورد و دلیل این امر هم شرایط خاص سیاسی و اجتماعی عصر امام صادق(ع) و گسترش تشیع است.

به گزارش خبرنگار مهر، امام صادق(ع) به عنوان رئیس مذهب جعفری که جهان تشیع بسیاری از معارف خود را از این امام بزرگوار خود دریافت نموده است، اقدامات مهمی برای گسترش تشیع و همچنین حفظ آن در برابر دشمنان انجام دادند. در این میان نگاه امت محورانه آن حضرت و توجه به موضوع وحدت با اهل سنت در سیره و احادیث مختلفی که از ایشان به یادگار مانده مشهود است. در این خصوص و به مناسبت میلاد با سعادت امام صادق(ع) با حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا جباری، تاریخ پژوه و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، به گفتگو نشستیم.

اقدامات و توصیه‌های وحدت‌آفرین امام صادق(ع)

حجت الاسلام جباری در ابتدای سخنان خود در مورد اقدامات وحدت‌بخش امام صادق(ع) و توصیه آن حضرت به شیعیان در مورد برخورد با اهل سنت، گفت: امام صادق(ع) را می‌توان به تعبیری یکی از قهرمانان بحث وحدت اسلامی به شمار آورد و دلیل این امر هم دو نکته است؛ یکی شرایط خاص سیاسی و اجتماعی عصر امام صادق(ع) است و نکته دوم هم گسترش تشیع در عصر آن حضرت می‌باشد. فضای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که بر جامعه اسلامی حاکم بود متأثر از تحولات قرن اول پدید آمد که آثار و پیامدهای خود را در قرن دوم نشان داد. دوره امامت امام صادق(ع) نیز عمدتاً نیمه اول قرن دوم است. این تحولات از سویی فرق مختلفی را در جامعه اسلامی ایجاد کرد که این امر نوعی تفرق و تشتت را در جامعه ایجاد کرده بود. جامعه با پرسش‌های گوناگون اعتقادی و فقهی و تفسیری مواجه بود و افرادی وجود داشتند که ادعای متکلم بودن داشتند و برای خود فرقه‌های کلامی را شکل می‌دادند.

وی افزود: به لحاظ سیاسی هم به جهت فضایی که بنی‌امیه ایجاد کرده بود، یک بدنه‌ای در جامعه اسلامی در میان عامه و اهل سنت ایجاد شده بود. تدابیری که ائمه پیشین مثل امام سجاد(ع) و امام باقر(ع) اندیشیدند باعث شد که تشیع بجای اینکه خود را در معرض هجوم‌ها و مهلکه‌ها بیاندازد یک مسیر با ثباتی را بیابد. لذا با این تدابیر شیعه باقی ماند و رو به گسترش نهاد. وقتی شیعیان در جامعه مسلمین گسترش یافتند، طبیعتاً نوع مراوده و برخورد آنها هم با دیگر آحاد جامعه اسلامی مسئله‌ای بود که امام باید برای آن فکری می‌کردند و شیعه را به سمتی سوق می‌دادند که به اضلال شیعه نینجامد و شرایطی فراهم شود که شیعه در درون جامعه اسلامی زندگی کند و با دیگران مراوده داشته باشد و از سویی مسیر خود را بتواند ادامه دهد.

جباری ادامه داد: لذا امام صادق(ع) دستورات خاصی برای حضور در جماعات و مساجد اهل سنت و همچنین در مورد مراوده با اهل سنت و نوع ارتباط با مخالفان به شیعیان دادند. خود امام صادق(ع) با بزرگان از اصحاب فرق برخورد‌های توأم با احترامی داشتند و دفع کننده نبودند. شاهد مثال این موضوع روایت مالک بن انس رئیس مذهب مالکی است که گزارش می‌کند هر وقت خدمت امام صادق می‌رسیدم، حضرت مرا احترام و تکریم می‌کردند و از تعبیر «یا مالک انی احبک» استفاده می‌نمودند. مالک در ادامه این روایت صفات و بزرگی و جلالت امام صادق(ع) را نقل می‌کند.

وی افزود: شواهد از این دست زیاد است که امام خود به این امر توجه داشتند و به شیعیان نیز توصیه می‌کردند که در متن جامعه حضور داشته باشند. تعبیر خیلی بلندی در این خصوص از سوی آن حضرت وجود دارد که اگر کسی در مساجد اهل سنت حضور پیدا کند و نماز بخواند گویا در صف اول پشت پیامبر نماز خوانده است. این تعبیر از باب تأیید شرایط نماز آنها و قبول بدعت‌هایی که در نماز و وضو و... وارد کرده‌اند، نیست بلکه این امر به مصلحت برتری برمی‌گشت که از ناحیه حضور شیعیان در متن جامعه اسلامی وجود داشت.

جریان زبیدیه و مواجهه امام صادق(ع) با آنها

عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در ادامه در پاسخ به پرسشی در مورد جریان زیدیه و نحوه مواجهه امام صادق(ع) با این جریان گفت: طبعاً بحث زید را باید از جریان زیدیه جدا کرد. شخصیت زید بن علی بن حسین(ع) شخصیت ممتاز و برجسته‌ای است. شخصیتی است که مدح او از سوی امام صادق(ع) صادر شده و قیام او از جانب ائمه به عنوان حرکتی برای امر به معروف و نهی از منکر قلمداد شده است. لذا این حرکت از سوی ائمه نهی نشده و صحبتی از ائمه مبنی بر غیر مشروع بودن آن وجود ندارد. به هر حال زید وظیفه‌ای داشت و امام صادق(ع) و امام باقر(ع) هم به حسب جایگاه خود وظایفی داشتند. ائمه شهادت زید را نیز پیش‌بینی کرده بودند اما پیروان زید بعدها مسیر دیگری را طی کردند و برای خود اصولی تراشیدند و یکی از شرایط اساسی امام را قیام قرار دادند.

وی افزود: باید گفت به لحاظ نسبی امام باید علوی و فاطمی باشد اما به لحاظ عملکرد آنها قیام را شرطی اساسی می‌دانستند. لذا این مسئله موجب می‌شد که گاهی از سوی زیدیه برخوردهای نامناسبی نسبت به امام صادق(ع) صورت بگیرد. اما در نقطه مقابل هیچ مثالی نداریم که امام برخورد تندی با آنها کرده باشند. آنها افراد جاهلی بودند که البته نیت آنها مقابله با ظلم بود، اما در تعیین مسیر و تعیین امام دچار اشتباه شده بودند. طبیعتاً امام با این نگاه به آنها مواجه می‌شد و تلاش داشتند که آنها را توجیه کنند.

تبیین حرکت سیاسی فرهنگی امام صادق(ع)

جباری در توضیح این فراز از زیارت جامعه کبیره که در مورد ائمه توضیح داد: «القوامون بامرهم»، قیام امام صادق(ع) را اینگونه تشریح کرد: حرکت امام صادق در جبهه سیاسی و فرهنگی نمود دارد. در جبهه سیاسی که درایت و تیزبینی امام صادق(ع) موجب شد نقشه دشمن خنثی شود؛ مهمترین نقشه دشمنان اموی و عباسی محو شیعه بود. حرکت امام صادق(ع) این امر را خنثی کرد و باعث گسترش شیعه شد. شیعه به گونه‌ای گسترده شد که گاهی اسباب خشم حکام اموی و عباسی را برمی‌انگیخت چراکه شیعیان بهانه به دست دشمن نمی‌دادند و آنها به راحتی نمی‌توانستند شیعه را شناسایی کرده و از بین ببرند. اما مهمتر از آن شیعه در جامعه آن روز نیاز به شناخت و معرفت داشت. امام در عرصه معارف اعتقادی و اخلاقی، شناخت قرآن و سنت پیامبر و مقابله با بدعت‌هایی که در دین وارد شده بود، بسیار تلاش نمودند. امام صادق(ع) به دنبال آن اسلام اصیل و حقیقتی بودند که این اگر محقق شود الی یوم القیامه باقی می‌ماند. حضرت تلاش داشتند آن اصول و خطوط اصلی اسلام را ترسیم کنند که در این قسمت قطعاً موفق بودند و نسبت به امر الهی قوام بودند.